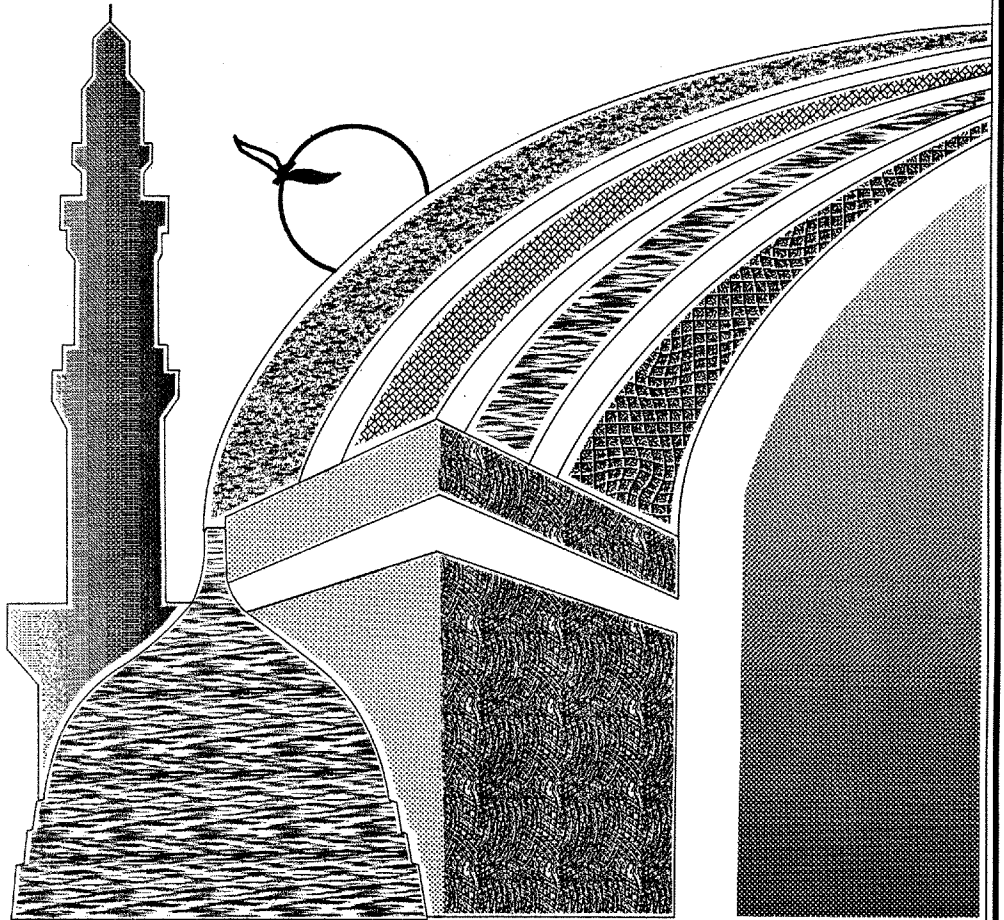


قج صج



نگرشی جدید در حکم عمره مفرده

محمد رحمانی



پیشگفتار

حج، یکی از ارکان اسلام است^۱ و چون واجب شود تأخیر کردن آن گناه عظیم است. مطابق آیات و روایات و گفته فقیهان، انکار آن موجب کفر و قرارگرفتن در شمار کافران است.^۲

آیات و روایات درباره اهمیت حج، بیش از آن است که در پیشگفتار مقاله‌ای بگنجد و بی‌تردید می‌توان حج را سرآمد احکام و واجبات شمرد. تا آنجا که طبق برخی از روایات، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام حج از تمامی واجبات حتی نماز نیز مهمتر و برجسته‌تر است.^۳ و از این رو است که زراره به امام صادق علیه‌السلام عرض می‌کند: «مدت چهل سال از مسائل حج پرسیدم و شما پاسخ دادید!»^۴

آثار فراوان حج در ابعاد گوناگون، به ویژه سیاسی، فرهنگی و معنوی، بر هیچ خردمند و صاحب اندیشه‌ای پوشیده نیست و در این میان باید گفت که «عمره مفرده» یکی از بخشهای مهم حج است و از آن جهت که در بیشتر ایام سال انجام می‌گیرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

گرچه فقها درباره مطالب فقهی حج و عمره، مباحث عمیق و دامنه‌داری سامان داده و بر میراث گرانبها و جاودانه فقهی افزوده‌اند، با این حال برخی از مباحث آن دو، بررسی و تحقیق دوباره‌ای را، آن هم با نگاهی نو می‌طلبند.

از آن جمله است مسأله «وجوب عمره مفرده بر تمامی مسلمانان» حتی بر کسانی که دور از مکه‌اند و در اصطلاح فقها «نائی»^۵ به شمار می‌آیند. روشن است که استطاعت عمره مفرده، از آن جهت که بیشتر با وسایل و امکانات ابتدایی و غیر ماشینی انجام می‌گرفت، جدا از استطاعت حج تمتع نبود، به ویژه برای شیعیان که بیشتر آنان با مکه مکرمه فاصله بسیار دارند. و نیز به همین جهت این مسأله کمتر مورد بحث واقع شده است. لیکن اینک که استطاعت عمره مفرده با حج تمتع تفاوت دارد و افرادی ممکن است تنها نسبت به عمره مفرده مستطیع شوند، این پرسش پیش می‌آید که: آیا عمره مفرده بر کسانی که از مکه مکرمه دور هستند و نسبت به حج استطاعت ندارند واجب است یا نه؟ و پرسشهای فراوان دیگر. در این نوشتار، در پی یافتن پاسخ علمی و تفصیلی آن پرسش و پرسشهای دیگریم. (البته نه فتوا، چه آن که مقام فتوا به مراتب بالاتر از شأن راقم این سطور است.) و اینک بحث را در شش بخش پی می‌گیریم:

۱ - پیشینه بحث

بی‌شک بررسی تاریخی هر بحث علمی، نقش بسزایی در روشن شدن آن بحث دارد، به ویژه مطالب فقهی که دانش نقلی و تبعی به شمار می‌آید و سرچشمه زلال آن، فرمایشات ائمه علیهم‌السلام است، از این رو آگاهی از نظریات فقیهان نزدیک به روزگار آنان بسیار مؤثر است. شاید بتوان گفت که در فقه امامیه، اول فقیه‌ای که بحث «وجوب عمره مفرده» را طرح کرد و در آن باره به گفتگو نشست، مرحوم سیدمرتضی علم‌الهدی (م ۴۳۶) است. او در کتاب «جمل‌العلم» می‌نویسد:

«حج در تمام مدت عمر، یک بار واجب است. همچنین عمره مفرده بر هر انسانی یک مرتبه واجب است.»^۶

و همو در کتاب «المسائل الناصریه» نیز آورده است:

«عمره مفرده همانند حج، به هنگام استطاعت واجب است.»^۷

شیخ طوسی (م ۴۶۰) در کتاب «نهایه» می‌نویسد:

«شخصی که حج تمتع انجام می‌دهد، وجوب عمره مفرده از او ساقط

می‌گردد؛ زیرا عمره تمتع جانشین عمره مبتوله (مفرده) است.^۸

قاضی ابن براج (م ۴۸۱) چنین نوشته است:

«عمره همانند حج واجب است... و این دو قسم است: ۱- عمره تمتع
۲- عمره مفرده»^۹

ابن حمزه (م ۵۸۰) از فقهایی است که می‌فرماید:

«عمره مفرده یا مستحب است و یا واجب و واجب آن، یا به نذر و یا به عهد و
یا بعد از حج قرآن و یا بعد از حج افراد است»^{۱۰}

ابن ادريس (م ۵۹۸) می‌نویسد:

«عمره مفرده همانند حج واجب است؛ از این رو ترک آن جایز نیست. و اگر
کسی عمره تمتع انجام دهد و جوب عمره مفرده از او ساقط می‌گردد.»^{۱۱}

محقق حلی (م ۶۷۶) می‌نویسد:

«عمره تمتع واجب است بر کسانی که خارج از مسجد الحرامند و تنها در
ماه‌های حج صحیح است و با انجام دادن عمره تمتع و جوب عمره مفرده ساقط
می‌گردد.»^{۱۲}

همو در مختصر النافع آورده است:

«عمره (مفرده) واجب، بر هر مکلفی در طول عمر یک بار واجب است با
تحقق شرایط معتبر در حج...»^{۱۳}

جمع بندی:

از بررسی نظریات و گفتار فقها، چند مطلب به دست می‌آید که عبارتند از:

۱- پیش از سیدمرتضی علم‌الهدی واجب بودن و نبودن عمره مفرده در کلمات فقها مطرح
نبوده و از این رو درباره آن اظهار نظری نشده است.

۲- اگر چه فقها کلمه «عمره» را مطلق آورده‌اند و مقید به «مفرده» نکرده‌اند لیکن بی‌شک
مقصود از عمره مطلق، عمره مفرده است؛ زیرا حکم «عمره تمتع» تابع حکم «حج تمتع»
است و حکم مستقلاً ندارد، به عنوان نمونه محقق حلی در مختصر النافع می‌گوید: عمره



واجب است، لیکن احکام عمره مفرده را بیان می‌کند و از این گذشته با تتبع در روایات دور نیست ادعا شود که عمره مطلق، در روایات نیز به معنای عمره مفرده است. جهت روشن شدن مطلب به روایات ابواب العمره، به ویژه باب ۱، ۳ و ۶ مراجعه شود.

بنابراین مقصود فقها از وجوب عمره، بی‌شک عمره مفرده است. دست‌کم قدر متیقن آن عمره مفرده است. از این رو هرجا بر عنوان «عمره» حکمی بار شود، قدر متیقن آن عمره مفرده است.

۳- برخی از فقها بر وجوب عمره تصریح کرده‌اند.

و برخی از فقها مانند شیخ طوسی و محقق حلّی در شرایع فرموده‌اند که:

«عمره تمتع مجزی از وجوب عمره مفرده است.»

از این عبارت استفاده می‌شود که عمره مفرده بر همه، حتی کسانی که دور از مکه‌اند واجب است، ولیکن عمره تمتع مجزی از آن است، در غیر این صورت اجزای عمره تمتع که وظیفه اشخاص دور از مکه است، معنا نخواهد داشت.

بنابراین، فقها یا با تصریح و یا به کنایه وجوب عمره مفرده را بیان کرده‌اند و برخی نیز مسأله را در کتابهایشان عنوان نکرده‌اند.

۲- عمره و احکام پنجگانه

پیش از آغاز در بحث اصلی، مناسب است رابطه عمره مفرده را، طبق احکام پنجگانه: «وجوب»، «حرمت»، «استحباب»، «کراهت» و «اباحه» بیان کنیم؛ زیرا: عمره، همانند حج، موضوع احکام گوناگون واقع می‌شود، چون گاهی:

۱- عمره واجب است به گونه‌ی وجوب اصلی بنابر نظریه‌ی کسانی که عمره مفرده را مستقلاً واجب می‌دانند؛ مانند شخصی که نسبت به عمره استطاعت دارد ولی نسبت به حج استطاعت ندارد. و یا مانند وجوب عمره بر اشخاص نزدیک مکه (حاضر) هستند.

۲- عمره واجب است به گونه‌ی وجوب عرضی؛ مانند این که شخصی اجیر گردد برای انجام عمره و یا با نذر عمره را واجب کند.^{۱۴}

۳- عمره مستحب است؛ مانند عمره مفرده پس از انجام حج واجب.

۴- عمره نه واجب است و نه مستحب، بلکه نامشروع و یا مکروه است؛^{۱۵} مانند عمره



مفردة میان عمره تمتع و حج تمتع و مانند عمره مفرده‌ای که بدون فاصله زمانی لازم میان دو عمره گزارده شود. بنابر این که فاصله لازم باشد.^{۱۶}

۳- نظریات فقها:

در این که آیا عمره مفرده بر اشخاص دور از مکه (نائی)، واجب است یا نه، اقوال گوناگونی وجود دارد؛ از جمله:

۱- عمره مفرده بر کسانی که نزدیک (حاضر) مکه هستند، واجب است. این قول نیز شقوقی دارد؛ برخی از ارباب این نظریه آن را در طول عمر، یک بار واجب می‌دانند و برخی پس از حج افراد و قران همیشه واجب می‌دانند.

۲- عمره مفرده بر تمامی افراد مکلف؛ چه دور و چه نزدیک، واجب است. صاحبان این باور نیز برخی وجوب عمره را همانند حج فوری و واجب مالی می‌دانند؛ به این معنا که اگر شخصی استطاعت داشته باشد و آن را انجام ندهد، باید از اصل ترکه خارج گردد و برخی مانند آیه‌الله شاهرودی آن را واجب شرعی می‌داند و نه مالی.^{۱۷}

البته نظریات دیگری میان فقها مطرح است که در این نوشته درصدد بررسی آنها نیستیم بلکه در پی آنیم که درستی و صواب بودن نظریه دوم را به اثبات رسانیم.

۴- بررسی ادله وجوب عمره

ادله‌ای را که ممکن است بر وجوب عمره دلالت کند، تحت سه عنوان مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

الف: آیات

﴿وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾^{۱۸}

«حج و عمره را برای خدا تمام به جای آوردید.»

دلالت آیه بر وجوب عمره، همانند حج روشن است؛ زیرا جمله «أَتَمُوا» به کلمه «العمرة» نیز تعلق گرفته است.

اشکال:

از میان فقها، آیه‌الله حکیم بر دلالت آیه اشکال کرده و چنین نگاشته است:

ظاهراً معنای این آیه عبارت است از وجوب تمام کردن عمره نه وجوب شروع عمره»^{۱۹}

نقد و بررسی

اولاً: اگر چه کلمه «أتموا» در آیه به کار رفته، لیکن بی‌شک مدلول آن «وجوب» است نه «اتمام». به عبارت دیگر: «أتموا» در اینجا به معنای وجوب ادا و انجام دادن عمره است. شاهد بر این مدعا آیات و روایاتی است که در آنها این‌گونه تعبیرها آمده و در مقام بیان وجوب است؛ مانند «أتموا الصيام وأقيموا الصلاة».

ثانیاً: در روایات بسیاری، آیه تفسیر شده است به وجوب حج و عمره؛ از جمله صحیحۀ زراره است که از امام باقر علیه السلام نقل کرده:

«العمره واجبة على الخلق بمنزلة الحج لأن الله تعالى يقول ﴿وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾»^{۲۰}.

«عمره مانند حج واجب است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَتَمُوا الْحَجَّ...﴾».

۲- «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^{۲۱} «و خدای راست بر مردمان زیارت

خانه، هر که تواند راهی بدان یابد».

دلالت آیه بر وجوب عمره تمام است؛ زیرا «حج» در آیه به معنای زیارت و قصد به سوی خانه است و «عمره» نیز چون در آن طواف وجود دارد، مشتمل بر قصد و زیارت است، پس اطلاق آیه شامل عمره نیز می‌گردد.

افزون بر این، طبق روایاتی که در تفسیر آیه از پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده، آیه به حج و عمره تفسیر گردیده است؛ از جمله در صحیحۀ عمر بن اذینه آمده است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ يَعْنِي بِهِ الْحَجَّ دُونَ الْعُمْرَةِ قَالَ لَا وَلَكِنَّهُ؛ يَعْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعًا لِأَنَّهُمَا مَفْرُوضَانِ»^{۲۲}.



«از امام صادق علیه السلام از معنای فرمایش الهی (ولله علی الناس...) پرسیدم که شامل حج است نه عمره؟ امام علیه السلام فرمود: نه بلکه شامل حج و عمره است زیرا هر دو واجب‌اند.»
روایت از نظر سند صحیحه است و روایات دیگری مانند صحیحه معاویه بن عمار ^{۲۳} نیز هست که نیازی به طرح آنها نیست.

۳- «فمن حجَّ البيت أو اعتمر فلا جناح علیه أن يطَّوفَ بهما»؛ ^{۲۴} «پس هر کس آهنگ خانه کند و یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که بر گرد آن در (صفا و مروه) بگردد.»

اشکال:

آیه دلالت بر وجوب عمره ندارد، همانگونه که دلالت بر وجوب حج نیز ندارد. بلکه تنها در مقام بیان این است که سعی بر اطراف آنها بی‌اشکال است و ناروا نیست؛ زیرا پیش از اسلام بر صفا و مروه دو بت بوده است از این رو مسلمانان فکر می‌کردند نزدیک شدن به آنها گناه است. آیه در مقام زدودن این برداشت نادرست است و در مقام بیان وجوب عمره و حج نیست.

ب: روایات

افزون بر روایاتی که در تفسیر دو آیه وارد شده، روایات بسیار دیگری نیز وجود دارد که دلالت می‌کند بر وجوب عمره.

بیشتر این روایات از نظر سند و دلالت تمام است. صاحب وسایل الشیعه بابی تحت عنوان «وجوب عمره بر مستطیع» با دوازده روایت و بابی با این عنوان که: «عمره تمتع مجزی از عمره مفرده است» با هشت روایت آورده است از جمله:

۱- عن أبي عبد الله علیه السلام قال: «العمره مفروضة مثل الحج»؛ ^{۲۵} امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عمره همانند حج واجب است.»

این روایت از جهت دلالت تمام است و اما از نظر سند، طریق شیخ صدوق به مفضل بن صالح عبارت است از:

«وما كان فيه عن أبي جميلة المفضل بن صالح فقد روئته عن أبي رضي الله عنه عن الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البرزطي عن أبي جميلة المفضل بن صالح.»

این سند تمام است.

بنابراین رجال سند تمامی ثقاتند و روایت صحیح است.

۲- عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إذا استمتع الرجل بالعمرة فقد قضى ما عليه من فريضة العمرة»؛^{۲۶} امام صادق عليه السلام: می فرماید: «هر گاه شخصی عمره تمتع بجای آورد، عمره مفرده واجب از او ساقط می گردد.»

از این روایت استفاده می شود که عمره مفرده واجب است لیکن با انجام دادن عمره تمتع، ساقط می گردد.

سند روایت فوق نیز صحیح است.

آنچه ملاحظه شد برخی از روایاتی بود که بر وجوب عمره مفرده دلالت دارد.

ج: اجماع

سومین دلیل که گروهی بر وجوب عمره از آن یاری گرفته اند، اجماع است. صاحب جواهر می فرماید:

«عمره با شرایط حج، در طول عمر انسان یک مرتبه واجب می شود؛ همانند حج، و اجماع محصل و منقول بر این مطلب دلالت دارد.»^{۲۷}

علامه حلی در کتاب منتهی المطلب آورده:

«عمره (مفرده) همانند حج بر هر مکلفی با تحقق شرایط حج، واجب است و تمامی علمای شیعه بر این باورند.»^{۲۸}

محقق نراقی نیز بر این مطلب ادعای اجماع منقول و محصل کرده است. ایشان می نویسد:

«عمره همانند حج... واجب است و دلیل بر آن اجماع محصل و منقول به گونه مستفیض است.»^{۲۹}

نقد و بررسی

اگرچه تمامی فقها وجوب عمره را پذیرفته اند لیکن با توجه به وجود آیات و روایات فراوان،

که از نظر دلالت و سند بی‌اشکال می‌باشند، این اجماع مدرکی است و کاشف از قول معصوم علیه السلام نیست. بنابراین اجماع در این مسأله نمی‌تواند دلیل بر وجوب عمره باشد. جمع بندی: از مجموع آیات و روایات وارده درباره عمره مفرده به دست می‌آید که عمره مفرده همانند حج واجب است بر تمامی کسانی که استطاعت پیدا کنند فرقی نمی‌کند از مکه دور باشند یا نزدیک. زیرا آیات و روایات نسبت به این جهت اطلاق دارند.

۵- بررسی أدله مخالفان (اشکالات)

در برابر نظریه «وجوب عمره مفرده» نظریه نفی وجوب عمره وجود دارد. صاحب نظران این باور جهت اثبات نظر خود، به چندین استدلال یا بهتر است بگوییم به چندین اشکال بر ادله دال بر وجوب عمره مفرده چنگ زده‌اند؛ زیرا تمامی و یا بیشتر کسانی که بر این عقیده‌اند نظریه دلالت ادله بر وجوب عمره مفرده بر تمامی مکلفان، حتی اشخاص دور از مکه را در مقام ثبوت پذیرفته‌اند ولیکن در مقام اثبات به گونه‌ای آن را نسبت به اشخاص دور از مکه رد کرده‌اند. در این بخش دلائل این نظریه، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

الف: رابطه عمره با حج

عمره تقسیم می‌گردد به «عمره تمتع» که جزئی از اعمال حج به شمار می‌آید و «عمره مفرده». و عمره مفرده گرچه پس از حج قیران و افراد آورده می‌شود، لیکن آن، عملی است مستقل. از این رو بحث درباره آن، از این جهت است که آیا واجب مستقلی است بر تمام مکلفان و ربطی به وجوب حج تمتع ندارد و یا این که هنگامی واجب می‌گردد که حج تمتع نیز واجب باشد؟

فقها در این جهت اختلاف نظر دارند؛ برخی از آنان نظر دوم را پذیرفته‌اند و از این رو چنین فتوا داده‌اند: شخصی که برای حج مستطیع نیست و بر عمره مفرده استطاعت دارد واجب نیست بر او که عمره بگذارد.

در برابر این نظریه، برخی از فقها باور اول را پذیرفته‌اند و فتوا داده که: چنانچه شخصی استطاعت برای حج نداشته باشد و استطاعت انجام عمره مفرده را داشته باشد، واجب است آن را انجام دهد و فرقی نمی‌کند که نزدیک (حاضر) باشد و یا دور (نائی) از مکه باشد.



مهمترین دلیل گروه اول ارتباط و تداخل عمره در حج تمتع است؛ در این صورت، هنگامی عمره واجب است که حج نیز واجب باشد و به تنهایی واجب نیست تنها کسانی که نزدیک مکه هستند و وظیفه آنها انجام حج قران و یا افراد است از قاعده کلی ارتباط عمره با حج استثنا شده‌اند؛ زیرا بر آنها واجب است عمره مفرده انجام دهند و بر دیگران انجام عمره مفرده واجب نیست. آیه‌الله خویی در این باره می‌فرماید:

«اگر بپذیریم ادله وجوب عمره اطلاق دارد و کسانی را که از مکه دور هستند در می‌گیرد، این اطلاق با دلیلی که دلالت دارد بر ارتباط وجوب عمره با وجوب حج، مقید می‌شود؛ مانند جمله: العمره مرتبطة بالحج الى يوم القيامة^{۳۰} زیرا معنای این دلیل عبارت است از این که عمره به تنهایی واجب نیست و وجوب عمره مرتبط است به وجوب حج و از این قاعده تنها کسانی که نزدیک مکه هستند خارج شده‌اند؛ یعنی وجوب عمره مفرده بر آنها واجب مستقل است.»^{۳۱}

لازم به یادآوری است که پیش از ایشان دیگران از جمله محقق نراقی بر اساس این باور مشی کرده‌اند.^{۳۲}

نقد و بررسی

بی‌تردید وجوب عمره تمتع مرتبط و مشروط به وجوب حج تمتع است، این مطلب اتفاقی است. بنابراین عمره تمتع به گونه مستقل واجب نیست بلکه بر کسانی واجب است که نسبت به حج نیز استطاعت داشته باشند؛ زیرا تمامی فقها در بیان اعمال و صورت اعمال و اجزای حج تمتع، عمره تمتع را نیز شمرده‌اند. جهت توضیح بیشتر به کتابهای تفصیلی از جمله عروة الوثقی^{۳۳} و جواهرالکلام^{۳۴} مراجعه شود.

اما نسبت به عمره مفرده، دلیلی بر این ارتباط و اشتراط نداریم جز روایاتی که دلالت دارد بر اینکه عمره داخل در حج است؛ مانند صحیحته حلبی.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «دخلت العمرة في الحج الى يوم القيامة...»^{۳۵}

امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «عمره تا روز قیامت داخل در حج شده است.»

در پاسخ باید گفت که این روایت و مانند آن، اولاً؛ دلالت ندارد بر این که وجوب عمره



مفرده مشروط است به وجوب حج؛ زیرا اولاً معنای ارتباط و دخول عمره در حج عبارت است از عمره تمتع نه عمره مفرده؛ زیرا بر اساس روایاتی که دلالت دارد حج تمتع سه طواف بر دور خانه و دو طواف میان صفا و مروه است، عمره تمتع جزئی از اجزاء و اعمال حج تمتع است و اما عمره مفرده ارتباطی به حج ندارد و از این رو از آن در روایات فراوان از جمله صحیحہ عمر ابن اذینہ^{۳۶} و صحیحہ یعقوب شعیب^{۳۷} و روایت نجیہ^{۳۸} در کنار حج تمتع نام برده شده. پس مقصود از داخل شدن عمره در حج، عمره تمتع است نه عمره مفرده.

ثانیاً: به فرض که بپذیریم این روایت و مانند آن، عمره مفرده را نیز دربرمی‌گیرد، معنای «دخلت العمرة في الحج» از نظر اجزاء است؛ زیرا اگر شخصی حج تمتع انجام دهد مجزی از عمره مفرده است. بله اگر معنای «دخلت العمرة في الحج» عبارت باشد از دخول و اشتراط وجوب عمره در حج نه اصل عمل آن، ممکن است بر مدعا دلالت کند و لیکن این تفسیر و معنا از روایات نادرست است و با اطلاق آیات و روایات که دلالت دارد حج و عمره دو وجوب مستقل اند، سازگار نیست.

ثالثاً: لازمه این بیان این است که وجوب عمره مفرده بر شخص دور از مکه، به گونه مستقل، مشروع نباشد و این با فتوا به احتیاط بر انجام عمره مفرده، که از سوی طرفداران عدم وجوب استقلالی عمره مفرده (در عروة الوثقی^{۳۹} و مناسک حج) صادر شده، نمی‌سازد. رابعاً: کسانی که با تکیه به روایات «دخلت العمرة في الحج» استدلال کرده‌اند. عمره مفرده بر اشخاص دور از مکه واجب نیست، همانان تصریح کرده‌اند بر مرتبط نبودن وجوب عمره مفرده به وجوب حج. آیه‌الله خویی می‌فرماید:

«مقتضی آیه و روایات، عبارت است از این که هر یک از حج و عمره واجب مستقل باشند و هیچ یک از آنها به دیگری ارتباط ندارد. جز عمره تمتع که با حج ارتباط دارد و اما در غیر عمره تمتع دلیلی بر ارتباط عمره با حج نداریم بنابراین ممکن است یکی از این دو در سالی و دیگری در سال دیگر انجام پذیرد.»^{۴۰}

خامساً: در روایتی که کلینی از صفوان و او از نجیه نقل می‌کند امام علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا أُنزِلَتِ الْعُمْرَةُ الْمَفْرَدَةُ وَالْمَتَعَةُ لِأَنَّ الْمَتَعَةَ دَخَلَتْ فِي الْحَجِّ وَلَمْ تَدْخُلِ الْعُمْرَةُ الْمَفْرَدَةُ فِي الْحَجِّ».



این روایت دلالت دارد که عمره مفرده داخل در حج نیست و مستقل است. افزون بر این ادله، شاهد بر این که این تفسیر از روایات دخلت العمرة في الحج درست نیست. فهم بسیاری از بزرگان فقها است، از جمله آنها صاحب جواهر است که می‌نویسد:

صاحب نظریه‌ای را که می‌گوید وجوب عمره و حج با همدیگر مشروط و مرتبط است، نشناختم و این نظریه واضح الفساد است؛ زیرا ادله (روایات و آیاتی که دلالت می‌کرد عمره و حج دو واجب مستقل‌اند) بر خلاف آن است و نیز نظریه‌ای که می‌گوید وجوب عمره مفرده مشروط و مرتبط با وجوب حج است ولی وجوب حج مشروط به وجوب عمره نیست. این نظریه را گرچه صاحب دروس برگزیده و بر آن استدلال کرده لیکن درست نیست.^{۴۱}

صاحب ریاض در نفی این تفسیر از روایات نوشته است:

«نظریه وجوب هر یک از عمره و حج، به گونه مستقل، صحیحترین و مشهورترین نظریه‌ها است؛ زیرا دلیلی بر ارتباط هر یک از این دو یا ارتباط وجوب عمره به وجوب حج نداریم.»^{۴۲}

جهت اطلاع بیشتر در این مسأله، می‌توان به منتهی^{۴۳} علامه و مدارک^{۴۴} و مستند الشیعه^{۴۵} مراجعه کرد.

شاهد دیگر بر این مدعا که وجوب عمره مفرده مشروط به وجوب حج تمتع نیست عبارت است از این که فقها عمره را تقسیم کرده‌اند به عمره تمتع - که بر اساس روایاتی که دلالت دارد حج تمتع سه طواف است، این عمره از اجزاء و اعمال حج است و داخل در حج می‌باشد - و عمره مفرده که در روایات از آن مبتوله (بریده شده) نیز نام برده شده و این اسم‌گذاری شاهد بر این است که این عمره داخل در حج و مشروط به آن نیست بلکه مستقل است و به تنهایی واجب می‌گردد.

ب: نفی اطلاق

استدلال (اشکال) دیگر کسانی که معتقدند عمره مفرده بر اشخاص دور از مکه واجب



نیست، این است که گفته‌اند: در اطلاق آیات و روایات دال بر وجوب عمره مفرده خدشه وجود دارد به این بیان که: عمره بر دو قسم است؛ ۱- عمره تمتع ۲- عمره مفرده و در آیات و روایات تصریح نشده است بر وجوب، خصوص عمره مفرده بلکه از ادله وجوب طبیعی عمره استفاده می‌شود؛ مانند حج و چون از خارج می‌دانیم عمره تمتع واجب است بر شخص دور از مکه و عمره مفرده واجب است بر شخص نزدیک مکه. بنابراین استدلال به اطلاق روایات بر وجوب عمره مفرده ممکن نیست.^{۴۶}

نقد و بررسی

صاحب این بیان، به عدم قوت و استحکام استدلال توجه داشته است؛ از این رو در پایان با تعبیر: «ولو فرضنا اطلاق الأدلة» به پاسخ پرداخته است.

در پاسخ این اشکال می‌توان گفت:

اولاً: این که ما فرض کنیم وظیفه کسانی که دور از مکه هستند تنها عمره تمتع است، تازه اول مطلب و در میان دعوا نرخ تعیین کردن است؛ زیرا اگر نگوییم ادله صراحت دارد، به ویژه آیه: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ»، دست کم ظهور ادله عبارت است از وجوب عمره مفرده بر تمامی مکلفان؛ چه دور و چه نزدیک. از باب نمونه، آیه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» در صحیحه عمر بن اذینه تفسیر شده است به حج و عمره و بی‌شک عمره در برابر حج، عمره مفرده است و همانند حج بر تمام مکلفان واجب است.

ثانیاً: روایاتی که عمره مفرده را بر حاضر واجب کرده، در مقام تقسیم حج، به تمتع، افراد و قران است و دلالت دارند بر وجوب عمره مفرده همراه با حج افراد و قران و اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. بله اگر لسان روایات تقسیم عمره این باشد که عمره مفرده بر حاضر و عمره تمتع بر دور از مکه واجب است اشکال جاداشت.

ثالثاً: روایات زیادی داریم که دلالت دارند بر این که عمره تمتع موجب سقوط وجوب عمره مفرده می‌گردد و در وسایل دوازده روایت در این باب آمده، است. اینها دلالت دارند که عمره مفرده به عنوان عمره مفرده بر تمامی مکلفان از جمله کسانی که دور از مکه هستند واجب است در غیر این صورت مجزی بودن عمره تمتع از عمره مفرده معنا نخواهد داشت؛ زیرا عمره تمتع وظیفه نائی است نه عمره مفرده پس معلوم می‌گردد که عمره مفرده نیز بر او



واجب است لیکن طبق این روایات، عمره تمتع از او جایگزین و مجزی از وجوب عمره مفرده می‌شود.

رباعاً: شاید بتوان ادعا کرد که عنوان «عمره» اگر قید «تمتع» یا «مفرده» نداشته باشد، منصرف است به عمره مفرده، و عمره تمتع نیاز دارد به قید و یا قرینه. شاهد بر این مطلب آیه: ﴿وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ﴾ و روایات فراوان از جمله روایات باب شش است که در بیشتر آنها عنوان عمره، مطلق است ولی به طور قطع مقصود عمره مفرده است؛ مانند روایت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، و ۱۲ که در آنها آمده است: ۴۷ «لکلّ شهر عمره» پس روایات دال بر وجوب عمره، نص در وجوب عمره مفرده است و نوبت به شک نمی‌رسد تا این اشکال مطرح گردد. با شک در وجوب برائت از وجوب جاری می‌گردد.

ج: سیره

از جمله ادله مخالفان وجوب عمره مفرده، چنگ زدن به سیره قطعیه بر انجام ندادن عمره مفرده از سوی مسلمانان است. آیه‌الله خویی می‌فرماید:

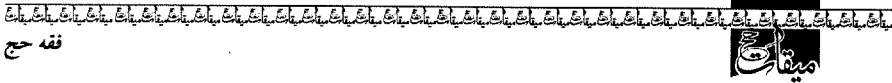
«افزون بر ادله پیشین، سیره قطعی مستمر مسلمانان است که انجام عمره مفرده از سوی آنان متعارف نبوده است حتی نایبی که در سال نیابت حج تمتع، استطاعت از عمره مفرده را دارد.»^{۴۸}

نقد و بررسی

این استدلال از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول ادعای سیره قطعی بر متعارف نبودن انجام عمره مفرده است. بخش دوم مدعی است نایبانی که استطاعت از عمره مفرده داشته‌اند نیز آن را انجام نمی‌داده‌اند.

اما در پاسخ از بخش دوم، ممکن است گفته شود که: عمره مفرده بر کسی واجب است که پیش از رسیدن به مکه مستطیع بوده است.

و از طرفی سیره عملی حجاج، که هم اکنون نیز وجود دارد، به ویژه کسانی که از جانب دیگران حج انجام می‌دهند این است که پس از پایان مناسک برای خودشان عمره مفرده انجام می‌دهند. در هر صورت اثبات این مدعا که کسانی که از جانب دیگران حج انجام



می‌دهند عمره مفرده نمی‌گزارند، مشکل است.

و از بخش اول ممکن است چنین جواب داده شود: در زمانهای پیش که وسایل حمل و نقل سریع ماشینی وجود نداشت، استطاعت برای عمره مفرده، جدای از استطاعت برای حج نبود؛ و انجام ندادن نائیها از آن جهت بوده که پیش از رسیدن به مکه مستطیع نبوده و پس از رسیدن به مکه همان گونه که نیابت مانع استطاعت نسبت به حج است مانع استطاعت به عمره مفرده نیز هست.

در ثانی اگر بخواهیم این سیره را به زمان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برسانیم، امری است مشکل؛ زیرا چه بسا سکوت و بیان نشدن وجوب عمره مفرده از ناحیه برخی از فقها که سیطره علمی و فقهی داشته‌اند، تا مدت‌های زیادی آن را از مسلمات فقه تلقی کرده‌اند و این مطلب در فقه شواهد بسیار دارد؛ همانند فتاوی شیخ طوسی که تا زمانهای زیادی پس از درگذشت وی از مسلمات تلقی می‌شود؛ و می‌رفت که عمل به برخی از آنها، حالت سیره پیدا کند.

د: خارج نشدن از ترکه

از جمله برهانهایی که بر واجب نبودن عمره مفرده اقامه شده، این است که اگر عمره مفرده واجب باشد، در صورتی که شخص مستطیع گردد و نتواند آن را انجام دهد، باید مخارج سفرش از ترکه خارج گردد و حال آن که فقها چنین فتوا نداده‌اند. آیه‌الله خونساری می‌فرماید:

«وجوب عمره مفرده بر شخص دور از مکه بعید است زیرا این، مستلزم خروج عمره

از اصل مال (ترکه میت) است.»^{۴۹}

پیش از ایشان فاضل هندی در کشف اللسام همین اشکال را بیان کرده و بر آن افزوده است که:

«در هیچ آیه و روایتی نیامده است که عمره مفرده از ترکه خارج گردد.»^{۵۰}

نقد و بررسی

پاسخ این اشکال از جهاتی ممکن است: اولاً ممکن است بگوییم: همانگونه که حج از



ذّین است و از ترکه خارج می‌گردد، عمره مفرده نیز ذّین است و در صورتی که شخص استطاعت آن را داشته باشد و انجام ندهد باید شخصی را برای او اجیر کنند و اجرت او را از ترکه بدهند. برخی از فقهای بزرگ نیز این نظریه را پذیرفته‌اند: از جمله صاحب جواهر می‌فرماید:

«التزام و پذیرش خروج اجرت عمره مفرده از ترکه، برای شخصی که استطاعت آن را داشته و انجام نداده و مرده است، مطلبی است مورد قبول»^{۵۱}

ثانیاً؛ گرچه عمره مفرده در آیات و روایات به منزله حج شمرده شده، لیکن شاید بشود گفت که این تنزیل تنها در ناحیه وجوب است نه از جهات دیگر؛ زیرا در صحت تنزیل لحاظ تمامی جهات «منزل علیه» لازم نیست، بلکه یک جهت و یا چند جهت مهم کافی است و این نظریه نیز در میان فقهای قائل دارد؛ از جمله آیه‌الله شاهرودی است که در پی پاسخ به این اشکال، که وجوب عمره مفرده اثر فقهی ندارد؛ زیرا نه وجوبش فوری است و نه از ترکه (اصل مال) خارج می‌گردد، فرموده:

«وجوب عمره مفرده حکم شرعی است و نیاز به ثمره فقهی ندارد و برای نفی لغویت یعنی مقدار کافی است که اگر در غیر ماه‌های حج برای عمره مفرده مستطیع گردد و آن را انجام دهد مجزی است.»^{۵۲}

با این بیان، ایشان ضمن این که عمره مفرده را واجب مستقل می‌داند برای تمامی مکلفان اجرت آن را نیز از ترکه نمی‌داند. بنابراین پاسخ این اشکال واضح است و نمی‌تواند مانع از دلالت ادله بر وجوب عمره مفرده گردد.

هـ- اگر عمره مفرده واجب بود بیان می‌شد

از جمله ادله‌ای که بر واجب نبودن عمره می‌آورند، عبارت است از این سخن که اگر عمره مفرده واجب بود، از طرف ائمه علیهم‌السلام بیان می‌شد. آیه‌الله فاضل لنکرانی می‌نویسد:

«اگر عمره مفرده واجب باشد، حتی بر اشخاصی که دور از مکه هستند، لازم بود ابلاغ و بیان آن به گونه‌ای واضح و ظاهر همانند وجوب حج می‌آمد.»^{۵۳}

نقد و بررسی

این اشکال جدا از مسأله سیره نیست، بنابراین همان پاسخها را اینجا نیز می‌توان آورد. در ثانی با همان بیانی که حج واجب شده عمره نیز واجب شده و در دلالت وجوب ادله هیچ‌گونه اجمالی وجود ندارد و کسانی که وجوب آن را اختصاص می‌دهند به اشخاص نزدیک مکه نیز دلالت ادله را بر وجوب پذیرفته‌اند. لیکن اشکال در فراگیری این ادله نسبت به اشخاص دور از مکه دارند و در این نوشته در حد امکان پاسخ آن اشکالات داده شد.

۶- نظریات فقهای اهل سنت درباره وجوب عمره مفرده

فقیهان اهل سنت نیز همانند فقهای امامیه در حکم عمره مفرده اختلاف نظر دارند. برخی از ایشان آن را واجب و برخی دیگر مستحب می‌دانند. در اینجا نظریه هر یک از آنان را بیان می‌کنیم:

الف - شافعی: عبدالرحمن جزیری در متن کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» می‌نویسد:

«عمره مفرده همانند حج، در تمامی عمر بر هر انسانی یک بار واجب عینی است.»^{۵۴}

وهبه زحیلی نیز در کتاب «الفقه الإسلامی وادلته» آورده:

«شافعی گفته است بنا بر ظاهر عمره واجب است؛ مانند حج. دلیل آن آیه «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» است؛ زیرا مقتضای امر وجوب است و خبر عایشه که گفته است از رسول خدا ﷺ پرسیدم آیا بر زنان جهاد واجب است؟ در پاسخ فرمود: بله جهادی که در آن کشتار نیست؛ یعنی انجام حج و عمره.»^{۵۵}

مرحوم محمد جواد مغنیه نیز می‌نویسد:

«شافعی و بسیاری از امامیه گفته‌اند عمره واجب است.»^{۵۶}

ب - مالکیه: نظر مکتب مالکیه در این مسأله استحباب تأکیدی عمره مفرده است نه وجوب آن. صاحب کتاب الفقه علی مذاهب الأربعة پس از بیان وجوب عمره می‌نویسد:

«در این وجوب مالکیه مخالفت کرده‌اند.»

دکتر وهبه زحیلی نیز ضمن نقل نظر مالکیه استدلال آنها را بیان کرده است او می‌نویسد:



«مالکيه گفته‌اند عمره مستحب مؤکد است، بنا بر قول ارجح؛ زیرا در احادیث فراوانی که شمار واجبات را بیان کرده، عمره را جزو آنها نشموده است؛ مانند حدیث عمر (بنی الإسلام علی خمس) و نیز جابر نقل می‌کند که رسول خدا در پاسخ پرسش اعرابی که واجب است یا نه، فرمود واجب نیست.»^{۵۷}

محمد جواد مغنیه نیز می‌نویسد:

«فقهایی مذهب مالکيه گفته‌اند عمره واجب نیست بلکه مستحب مؤکد است.»^{۵۸}

ج - حنفیه: آنان نیز همانند مذهب مالکيه عمره مفرده را مستحب مؤکد می‌دانند. دکتر زحیلی می‌نویسد:

علمای حنفی گفته‌اند: عمره مفرده بنا بر قول ارجح مستحب مؤکد است، به دنبال این ادله، آن را که در ضمن نظریه مالکيه بیان شد، می‌آورد.»

جزیری^{۵۹} و محمد جواد مغنیه^{۶۰} نیز همانند زحیلی نظر حنفیه را بیان می‌کنند.

د - حنابله: اینان بر اساس نقل وهبه زحیلی قائل به تفصیل هستند. او می‌نویسد:

«حنابله از احمد نقل می‌کنند که بر اهل مکه عمره واجب نیست؛ زیرا ابن عباس گفته است عمره واجب است ولی بر اهل مکه واجب نیست؛ زیرا عمره آنان طوافشان بر خانه است و همین مطلب را از عطا نقل کرده است که زیرا رکن عمره طواف بر خانه است و آنها بر خانه طواف می‌کنند و این طواف مجزی از اصل عمره است.»^{۶۱}

صاحب کتاب «الفرقه علی المذاهب الأربعة» نظریه مذهب حنبلی را به طور مطلق،

مستحب مؤکد نقل می‌کند و تفصیل وهبه زحیلی را قبول ندارد.^{۶۲}

محمد جواد مغنیه در کتاب الفرقه علی المذاهب الخمسه نیز از همان جزیری، تفصیل

زحیلی را نقل می‌کند.^{۶۳}

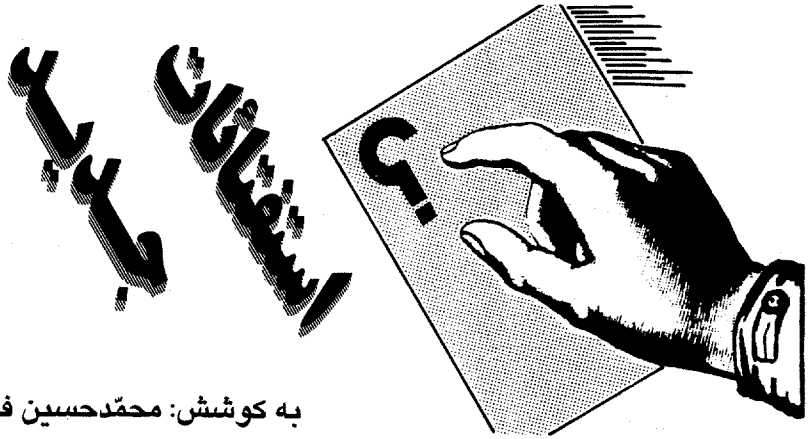
پانوشتها:

- ۱- شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷، باب ۱ از ابواب مقدّمه العبادات، ۳۸ روایت در وجوب حج و رکن بودن آن نقل کرده است.
- ۲- شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۹ بابتی تحت این عنوان گشوده و روایاتی نقل کرده است.
- ۳- وسایل الشیعه، ج ۱، باب ۴۱ از ابواب استحباب حج، ح ۵، ۶، ۷، ص ۷۷، المكتبة الاسلامیه.
- ۴- وسایل الشیعه، ج ۱، باب ۱، از ابواب وجوب حج، ج ۱، ص ۷، المكتبة الاسلامیه.
- ۵- در فاصله نائی از مکه، میان فقها اختلاف است؛ برخی ملاک را ۴۸ میل (شانزده فرسخ) و برخی دیگر دوازده میل دانسته‌اند. و اما مشهور قول اول است. (جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۶)
- ۶- سیدمرتضی علم الهدی، کتاب الحج، ص ۶۲ در ضمن رسائل الشریف‌المرتضی، دارالقرآن الکریم.
- ۷- سیدمرتضی علم الهدی، کتاب الحج، ص ۲۰۸، جوامع الفقهیّه، انتشارات جهان.
- ۸- شیخ طوسی، نه‌ایة الأحکام، ج ۱، ص ۲۱۵، چاپخانه دانشگاه.
- ۹- قاضی ابن بزّاج، مهذب الأحکام، ص ۲۱۱، جامعه مدرسین.
- ۱۰- ابن بزّاج، الوسیله، ص ۱۵۷، منشورات کتابخانه آیةالله نجفی.
- ۱۱- ابن ادریس، سرائر، ج ۱، ص ۶۳۳.
- ۱۲- محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۲، منشورات اعلمی.
- ۱۳- مختصر النافع.
- ۱۴- فقها اختلاف کرده‌اند در این که با نذر متعلق آن (منذور)، واجب می‌گردد و یا این که در نذر صحیح شرعی تنها وفای به آن واجب است و منذور بر همان حکم پیش از نذر باقی است. دور نیست نظر اول صحیح باشد.
- ۱۵- تعبیر به کراهت در مورد مثال دوم در کلمات مرحوم آیةالله گلپایگانی به چشم می‌خورد و بیشتر فقها فرموده‌اند نامشروع است. مناسک حج حضرت امام با حواشی مراجع، ص حاشیه، ذیل مسأله ۱۷۳، ص ۹۰، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
- ۱۶- فقها نسبت به مقدار فاصله لازم میان عمره تمتع و عمره مفرده، پس از اعمال و فاصله لازم میان دو عمره مفرده اختلاف کرده‌اند؛ برخی از نظرات عبارت است از:
الف: میان عمره تمتع و عمره مفرده، پس از اعمال حج، فاصله لازم نیست و میان دو عمره میزان انجام در دو ماه از نظر عنوان است نه از نظر عدد.
ب: میزان فاصله ده روز است.
ج: احتیاطاً مستحب رعایت فاصله است.
د: رعایت فاصله شرط نیست، مناسک حضرت امام با حواشی مراجع معظم تقلید. مسأله ۱۷۳ و ۱۳۱۱ حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
- ۱۷- آیةالله شاهرودی، کتاب الحج، ج ۲، ص ۱۵۱، مطبعة القضاء.

- ۱۸- بقره: ۱۹۶
- ۱۹- آیه الله حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۱، ص ۱۲۳، دارالکتب العلمیه.
- ۲۰- وسایل الشیعه، ج ۱۰، باب ۱ از ابواب عمره، ج ۲، ص ۲۳۵
- ۲۱- آل عمران: ۹۷
- ۲۲- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۰، باب ۱ از ابواب عمره، ج ۷، ص ۲۳۶، المكتبة الاسلامیه.
- ۲۳- همان، ج ۲
- ۲۴- بقره: ۱۵۸
- ۲۵- وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۴۲۴
- ۲۶- همان، باب ۵، ج ۱، ص ۲۴۲
- ۲۷- شیخ محمّد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۴۱، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۸- علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۷۶
- ۲۹- محقق نراقی، مستند الشیعه، ج ۲، ص ۱۷۸، المكتبة المرتضویه.
- ۳۰- عمره مربوط است به حج، تا روز قیامت، مضمون صحیحۃ حلبی و روایت ابن عباس است که در وسایل، ج ۱۰، باب ۵ از ابواب عمره، ج ۷ و باب ۳ از ابواب اقسام حج، ج ۲، آمده است.
- ۳۱- آیه الله خویی، معتمد العروة، ج ۲، ص ۱۷۳، مدینه العلم.
- ۳۲- مستند الشیعه.
- ۳۳- عروة الوثقی، ج ۲، ص ۵۴۰، عروة محشی، مكتبة العلمیه الاسلامیه.
- ۳۴- جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۴۳ عبارت جواهر این است: «عمره التمتع التي هي جزء من الحج».
- ۳۵- وسایل الشیعه، ج ۸، باب ۳ از ابواب اقسام حج، ج ۲، ص ۱۷۲
- ۳۶- همان مدرک، ج ۱۰، باب ۲ از ابواب العمره، ج ۲
- ۳۷- همان مدرک، باب ۵ از ابواب العمره، ج ۲
- ۳۸- همان مدرک، ج ۵
- ۳۹- عروة الوثقی محشی، ج ۲، ص ۵۳۴، مسألة ۲
- ۴۰- مستند العروة، ج ۲، ص ۱۷۱
- ۴۱- جواهر الکلام، ج ۲، ص ۴۴۴
- ۴۲- ریاض المسائل، ج ۷، ص ۱۷۴
- ۴۳- منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۷۶
- ۴۴- مدارک الأحکام، عاملی، ج ۸، ص ۴۶، آل البيت.
- ۴۵- محقق نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۰، آل البيت.
- ۴۶- مستند العروة، ج ۲، ص ۱۷۳
- ۴۷- وسایل الشیعه، باب ۶ از ابواب العمره، ج ۱۰، ص ۲۴۴
- ۴۸- مستند العروة، ج ۲، ص ۱۷۴



- ٤٩- آية الله خونساري، جامع المدارك، ج ٢، ص ٥٥٧، اسماعيليان.
- ٥٠- فاضل هندی، كشف اللسام، ج ٦، ص ٢٩٢، انتشارات اسلامي.
- ٥١- جواهر الكلام، ج ٢٠، ص ٤٤٤.
- ٥٢- آية الله شاهرودي، كتاب الحج، ج ٢، ص ١٥١، مطبعة القضا نجف.
- ٥٣- آية الله فاضل لنكراني، تفصيل الشريعة، ج ٢، ص ٢٢٨، مكتب الإعلام الاسلامي.
- ٥٤- الفقه على مذاهب الأربعة، ج ١، ص ٦٨٤.
- ٥٥- وهبه الزحيلي، الفقه الاسلامي وادلته، ج ٣، ص ١٩، دارالفكر.
- ٥٦- محمد جواد مغنیه، الفقه على المذاهب الخمسه، ص ٢٠١، دارالعلم للملایین.
- ٥٧- الفقه الاسلامي، ج ٣، ص ١٨.
- ٥٨- الفقه على المذاهب الخمسه، ص ٢٠١.
- ٥٩- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ١، ص ٦٨٤.
- ٦٠- الفقه على المذاهب الخمسه، ص ٢٠١.
- ٦١- الفقه الاسلامي وادلته، ج ٣، ص ١٩.
- ٦٢- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ١، ص ٦٨٤.
- ٦٣- الفقه على مذاهب الخمسه، ص ٢٠١.



به کوشش: محمدحسین فلاح زاده



● سؤال ۱: شخصی از روی جهل به مسأله در فرودگاه جدّه برای عمره مفرده محرم می شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می شود که می بایست به یکی از مواجیت برود، تکلیف او در این صورت چیست؟

فَعَلًا تَكْلِفِي نَزَارًا، بَلِي الْكَرَّازِ طَرَفِ كَيْسِي
 نَائِبٌ بُوْدَه وَبِإِيَّاسِ نَذْرٍ عَمْرٍ وَوَاهِبٍ
 سَبَبٌ بَأْسُهُ كَفَايَتٌ عَمْرٍ كُنْ



○ آیه الله خامنه ای: بسمه تعالی، فعلاً تکلیفی ندارد، بلی اگر از طرف کسی نایب بوده و یا به سبب نذر عمره واجب شده باشد کفایت نمی کند.

ح ۱ عمره او باطل است و اگر نمی تواند به میقات برود می تواند از ادنی الجبل مانند مسجد تعظیم دوباره محرم شود و اعمال را انجام دهد.

○ آیه الله سیستانی: عمره او باطل است و اگر نمی تواند به میقات برود می تواند از ادنی الجبل؛ مانند مسجد تعظیم، دوباره محرم شود و اعمال را انجام دهد.





○ آیه الله فاضل لنکرانی: در فرض سؤال، عمره باطل است و تکلیف خاصی ندارد و چنانچه عمره به جهتی بر او واجب بوده است یا بخواهد یک عمره مستحبی انجام دهد باید به یکی از مواقیب برگردد ولو به ادنی الحل و محرم شود و اعمال را انجام دهد.

در فرض سؤال عمره باطل است و تکلیف خاصی ندارد و چنانچه عمره به جهتی بر او واجب بوده است یا بخواهد یک عمره مستحبی انجام دهد باید به یکی از مواقیب برگردد ولو به ادنی الحل و محرم شود و اعمال را انجام دهد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ج ۱- در فرض سؤال، احتیاطاً بقیه اعمال عمره را تمام کند و چنانچه عمره مفرده بنذر و غیره واجب بوده اکتفا به آن نکند و از ادنی الحل محرم شود و عمره واجب خود را انجام دهد. والله العالم

○ آیه الله لطف الله صافی: بسم الله الرحمن الرحیم، در فرض سؤال، احتیاطاً بقیه اعمال عمره را تمام کند و چنانچه عمره مفرده به نذر و غیره واجب بوده اکتفا به آن نکند و از ادنی الحل محرم شود و عمره واجب خود را انجام دهد. والله العالم.

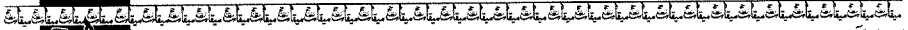
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

○ آیه الله مکارم: بسمه تعالی، احرام عمره مفرده منحصر به مواقیب معروف نیست. اگر یا معاملات آن تجدید می شود عمره اتی صحیح بود و همچنین اگر جده نذر یا حله کرده بود عمره او بی اشکال بود و حال آنکه هیچ یک از این دو کار با احوال مزاحمه نیست و باطل است و باید به تعمیم آن در محسوسات من شود و امرضا در کتاب شهرت مکارم و کتاب بود و آنجا معروف شود و عمره با تجدید کند =

○ آیه الله مکارم: بسمه تعالی، احرام عمره مفرده منحصر به مواقیب معروف نیست. اگر این شخص توجه می داشت و نیت احرام را در حدیبیه که نقطه ای است میان جده و مکه یا محاذات آن تجدید می کرد، عمره اش صحیح بود و همچنین اگر در جده نذر احرام کرده بود عمره او بی اشکال بود ولی حالا که هیچ یک از این دو کار را انجام نداده احرامش باطل است و باید به تنعیم که ادنی الحل محسوب می شود و امروز در کنار شهر مکه قرار گرفته، برود و از آنجا محرم شود و عمره را تجدید کند. ۷۶/۵/۹

۷۶/۵/۱





سب لعل

میقات

صیاطاً به یکی از میقات و لزجحفه

برود و برای عمره مفرده حرام
برسد و بحال عمره مفرده را انجام دهد بر آن



رتبه

بالتعم سلام اگر بعد از بحال متوجه شود

قرین از هجرت

عمره او صحیح است



○ آیه الله شیخ جواد تبریزی: بسمه تعالی، احتیاطاً به یکی از مواقیت ولو به جحفه برود و برای عمره مفرده احرام ببندد و اعمال عمره مفرده را انجام دهد. والله العالم.

○ آیه الله نوری همدانی: بسمه تعالی، با تقدیم سلام، اگر بعد از اعمال متوجه شود عمره او صحیح است.

○ آیه الله صانعی: چون احرام از میقات نبوده محرم نشده، لکن اگر بعد از تقصیر و تمامیت عمره مفرده متوجه شده، عمره اش محکوم به صحت است و اگر قبل از آن باشد برای تحقق عمره، اگر بخواهد آن را انجام بدهد از باب وجوب یا ندب، میقات بودن اذنی الحل برایش خالی از قوت نمی باشد، هر چند احتیاط مستحب برگشتن به میقاتی است که لازم بوده از آن محرم شود. ۷۶/۵/۱۳

چون احرام از میقات نبوده محرم نشده، لکن اگر بعد از تقصیر و تمامیت عمره مفرده متوجه شده، عمره اش محکوم به صحت است و اگر قبل از آن باشد برای تحقق عمره اگر بخواهد آن را انجام بدهد از باب وجوب یا ندب، میقات بودن اذنی الحل برایش خالی از قوت نمی باشد، هر چند احتیاط مستحب برگشتن به میقاتی است که لازم بوده از آن محرم شود. ۷۶/۵/۱۳



● سؤال ۲: پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد محرم چه حکمی دارد؟

○ آیه الله لطف الله صافی: اشکال ندارد، والله العالم.

ج ۲- اشکال ندارد. والله العالم

کتابخانه ملی





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حج اشکال ندارد.



۱۵ ربیع الاول ۱۴۱۸

بِسْمِ

پوشیدن لباس مخیط بر محرم جایز نیست
و اگر لباس صدق نکند اشکال ندارد.



بِسْمِ

۲۲. اشکالی ندانم بشرطی که همه پای او را نگیرد و بهتر
است موطنه در حال احرام چنین گفتی نپوشند =



جایز نیست

محرمانه



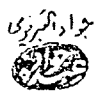
هرش خالی از وجه نیست هر چند بسیار کم



۷۶/۵/۱۳

بِسْمِ

در صد سکه مقداری روی پا
باز باشد مانعی ندارد در تمام



○ آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.

○ آیه الله خامنه ای: بسمه تعالی، پوشیدن
لباس مخیط بر محرم جایز نیست و اگر لباس
صدق نکند اشکال ندارد.

○ آیه الله مکارم: بسمه تعالی، اشکالی ندارد به
شرطی که روی پای او را نگیرد ولی بهتر است
مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

○ فاضل لنکرانی: جایز نیست.

○ آیه الله صانعی: حرمتش خالی از وجه
نیست هر چند بسیار کم باشد.

○ آیه الله شیخ جواد تبریزی: بسمه تعالی، در
صورتی که مقداری روی پا باز باشد مانعی
ندارد. والله العالم.



○ آیه الله نوری همدانی: بسمه تعالی، با سلام، اشکال دارد.

باسم اشکال دارد

بسمه تعالی



● سؤال ۳: به میچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است چه حکمی دارد؟

○ آیه الله فاضل لنکرانی: احوط اجتناب از مطلق مخیط است حتی بند ساعت.

بند ساعتی که دوخته است

بند ساعت



○ آیه الله خامنه ای: بسمه تعالی، چنانچه گذشت، پوشیدن چیزی که بر آن لباس صدق نکند، هر چند مخیط باشد اشکالی ندارد.

بسمه تعالی

چنانچه گذشت، پوشیدن چیزی که بر آن لباس صدق نکند هر چند مخیط باشد اشکالی ندارد.



○ آیه الله مکارم: بسمه تعالی، اشکالی ندارد.

بسمه تعالی



اشکالی ندارد =

○ آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.



۱۵ ربیع الاول ۱۴۱۸
بمانظرز که در پاسخ ۲ مرقوم شد حرمش
خالی از زوج نیست



۱۳/۵/۱۳۷۶

○ آیه الله صانعی: همانطرز که در پاسخ دو مرقوم شد، حرمش خالی از وجه نیست.

